



• چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۳۷

حدیث روز

امام موسی کاظم(ع): کسی که مشورت کند اگر کارش را درست انجام دهد، مردم او را بستانند و اگر به خطا رود، مدحورش دارند.میزان الحکمه

ذکر روز چهارشنبه
صدمرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

خدایا بگیر!

استاد شهید مرتضی مطهری درباره دعا و تلاش برای به دست آوردن ویژگی‌های نیکو گفته‌اند:
«یکی از بزرگان چه نکته خوبی می گفت که ما همیشه وقتی دعا می کنیم به خدا می گوئیم خدایا به ما بده! هیچ وقت دعا نمی کنیم خدایا از ما بگیر. در صورتی که ما به این دعا بیشتر احتیاج داریم، تا این چیزهایی را که از ما باید بگیرد ازمان نگیرد هیچ چیزی قابل دادن نیست! ما بایدبگوئیم خدایااین حب جاه و مال رااز ما بگیر، این حسادت‌ها رااز ما بگیر، این کینه‌ها وعقده‌ها، این کدورت‌های قلبی، این شک‌ها، این شرک‌ها و این کبرها را از ما بگیر.»

بر گرفته از کتاب «آشنایی با قرآن» نوشته شهید مطهری

داستانک

فرشته ای که بیکار شد

روزی مردی خواب عجیبی دید.او دید که پیش فرشته هاست و به کارهای آن ها نگاه می کند. هنگام وروددسته بزرگی از فرشتگان رادید که سخت مشغول کارند و تند نامه هایی را که توسط پیک ها از زمین می رسند، باز می کنند و آن ها را داخل جعبه می گذارند. مرد از فرشته ای پرسید: شما چه کار می کنید؟ فرشته در حالی که داشت نامه ای را باز می کرد گفت: این جابخش دریافت است و ما دعاها و تقاضاهای مردم از خداوند را تحویل می گیریم.

مرد کمی جلوتر رفت. باز تعدادی از فرشتگان رادید که کاغذهایی را داخل پاکت می گذارند و آن ها را توسط پیک هایی به زمین می فرستند. مرد پرسید: شماها چه کار می کنید؟ یکی از فرشتگان با عجله گفت: این جا بخش ارسال است، ما اللطف و رحمت های خداوند را برای بندگان به زمین می فرستیم.

مرد کمی جلوتر رفت و یک فرشته رادید که بیکار نشسته است. با تعجب از فرشته پرسید : شما چرا بیکارید؟ فرشته جواب داد: این جا بخش تصدیق جواب است. مردمی که دعاهای شان مستجاب شده باید جواب بفرستند ولی فقط عده بسیار کمی جواب می دهند. مرد از فرشته پرسید: مردم چگونه می توانند جواب بفرستند؟ فرشته پاسخ داد: بسیار ساده، فقط کافیسْتُ بگویند: خدایا شکر!

بریده کتاب

ظالم نباشیم

باید به او بفهمانم که نباید از آن دست کسانی باشد که چون جنگال ندارند خود را خوب تصور می کنند!
باید بتوانیم ظالم باشیم و آن موقع ظالم نباشیم، ظالم نبودن هنگامی که توانایی آن را نداریم هنر نیست!
بر گرفته از «وقتی نیچه گر یست» اثر اروین د. یالوم

اندکی صبر

آه...

علی نصرت پناه

خنده ات سوژه ای شد
برای زدیدن قالب نگاهت
آهی کشیدی
اشک شد و مانند بارانی نم نم
بر روی گونه ات بارید

دنیا به روایت تصویر



پی‌ای| دونده‌ای میان مزرعه کلزا

از اون لحاظ

بالاخره تو کوچه ما هم عروسی می شه



محمد امین فر شادمهر | طنز پرداز

نیما یکی از بهترین و بدبخت‌ترین دوستان من بود. روز اولی که به دنیا اُمد، مامایش قولنج کرد، مادرش سر زارفت، پدرش هم بعد از مادرش به مقصدی نامعلوم رفت تا او که دو ساعت بیشتر نداشت و از کل خانواده کوچک تر بود، سرپرست همه آن ها شود. او در همان زمان گفت: «آدَب دَد» که یعنی بالاخره تو کوچه ما هم عروسی می شه. دوره ابتدایی سختی داشت؛ کبری هنوز سر تصمیماتش مردد بود و پول خسارتی را که چوپان دروغگو به اهالی ده زده بود هم از دانش‌آموزان می گرفتند، اما نیما همچنان می گفت: «به روزی توی کوچه ما هم عروسی می شه.» نیما دوره‌های راهنمایی و متوسطه را هم با بیشترین بدبختی نسبت به دیگر رقبای بدبختش گذراند و یاد گرفت که زندگی در عین زیبایی، فوق‌العاده سخت و مزخرف و حال به هم‌زن است اما همچنان می گفت: «بالاخره تو کوچه ما هم عروسی می شه.» او همان طور که انتظار می‌رفت در دانشگاه هم شکست عشقی‌های پی‌درپی خورد. یعنی کسانی به او نه می گفتند که او نه تنها به آن ها درخواست ازدواج نداده بود، بلکه حتی یک بار هم آن ها را ندیده بود. همه چیز به اقتضاح‌ترین شکل ممکن پیش می‌رفت تا این که بالاخره نیما هم جفت خودش را پیدا کرد؛ دختری که در عین نابوری یک دل نه صد دل عاشق نیما شده بود. بعد از دانشگاه هر کدام مان سمت مسیر خودمان رفتیم تا این که چند روز پیش وقتی بعد از مدت ها به ایران برگشتیم، مستقیم به محله نیما این ها رفتن تا سری به او بزنم. باورم نمی‌شد؛ کوچه نیما این ها تا داخل حیاط شان آذین‌بندی شده بود. یاد جمله معروفش افتادم که می گفت «بالاخره تو محله ما هم عروسی می شه.» با احتیاط وارد شدم. دیدم عروس را با چند طبق نشاندۀ‌اند و منتظرند که شاه‌داماد وارد حیاط شود. عروس کسی نبود به جز همان دل‌داده نیماخان در دانشگاه. اشک در چشمانم حلقه زده بود. انگار خودم عروسی کرده بودم. بعد از لحظاتی نیما از داخل ساختمان وارد حیاط شد و وقتی من را بین جمعیت دید، بدو بدو در آغوشم پرید. پرسیدم: «نیما پس لباس دامادی‌ات کو؟» گفت: «داماد پسر صاحب‌خونه‌مونه که وضع خیلی بهتری نسبت به ما دارن. پسر خویبه، خوش‌بختش می کنه.» سپس با لبخند همیشگی اش گفت: «دیدی گفتم بالاخره تو کوچه ما هم عروسی می شه…»

دور دنیا

ماشینی پر از زنبور!



کندو را روی صندلی بگذار و برای صرف ناهار به بیرون رفت.

اما او هرگز فکرش را نمی کرد که وقتی به‌گردد با ۳ هزار زنبور بر روی صندلی ماشینش رو به رو شود.
با این حال والاس چاره ای نداشت که به شهرش برگردد و در کمال تعجب او ۶۰ کیلومتر مسیر را با ۳ هزار زنبور وحشی رانندگی کرد اما حتی یکی از زنبورها هم او را نیش نزد!

عجایب جهان

شبکه های اجتماعی

• کودک درون فقط اون که همه میرن دندون پزشکی میگن دندونم پوسیده شده، بابای من می‌ره میگه «کرم خورده»!
• باورتون نمیشه ولی من هنوز وقتی یاد کری خونی بیرانوند برای کریس رونالدو میقتم چپارستون بدنم میلرزه!
• بعدال کلاسیکو، میای بازی های آسیایی رو می بینی مثل این می مونه که گیم او ترونز ببینی بدش یهو بزنی پس از باران!
• آرسن ونگر هم از آرسنال خدافظی کرد ولی رجب زاده هنوز به خدافظی خشک و خالی هم از فوتبال نکرده!
• می ترسم رونالدو تو جام جهانی با کمک بیرانوند ر کورد کل ملی علی دایی رو بشکنه!
• محافظ صفحه گوشیِم جوری از همه جاش تر ک خورده و شکسته که فکر کنم دیگه توهین به شرکت سازنده گوشیم محسوب میشه که این گلس روی گوشی منه!
• به نظرم ۲۴ ساعت برای یک روز کمه، مثلاً ۲۸ ساعت باشه که صبح ها ۳-۴ ساعت بیشتر بخوابیم!

منتخب های چی شده؟

مگه دستم بهت نرسه!



سلام، ممنون از همه که با شیوه درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. طبق معمول پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه هم زیاد داشتیم که حذف شدن. چندا از جمله های بامزه تر رو انتخاب کردیم که می خویند. دمتون گرم و خوش باشید همیشه.
• وقتی برای ازدواجت سوال می کنن و تو با این کارت نشون میدی که پا در هوایی.

سید حسین اروند

• وقتی از ترس برخی موتورسواران تلاش می کنی به سبک قهرمانان پرش با نیزه از عرض خیابان رد شوی!
رضا حسین زاده

• وقتی پول نداری بری استادیوم مسابقه را نگاه کنی باید همین کار را انجام بدی!

حمید رضا اسمعیلی

• وقتی به جای پله های ترقی، میله های ترقی را طی کنی این جوری میشه!

سید مهدی مرتضوی

حسن احمدی

• وقتی قیمت دلار سر به فلک می زنه و تو تمام تلاشت رو می کنی تا بکشیش پایین!

ابوالفضل مسیحی پیدگلی

• وقتی سر به هوایی و با بلندپروازی به آرزوهات نرسیدی و بین زمین و آسمون گیرافتادی و نه راه پس داری نه راه پیش!

• وقتی تو از تفاع زیاد وای فای اینترنت بهتر جواب میده!

• وقتی فکر می کنی با افزایش حقوق در سال جدید تونستی افزایش قیمت ها رو مدیریت کنی!

• وقتی پروژه پرتاب به فضا با شکست مواجه میشه، چون یکی شوخی داشته و دست ها رو گره زده به پرتابگر!

احسان جنگلی، رشتخوار

• وقتی نگهبان شهرک های تازه ساز و بدون برق باشی!

• وقتی تورم بالا میره و تو هم مجبوری با اون بالا بری!

• وقتی به جای بانجی جامپینگ هوس میله جامپینگ می کنی!

• وقتی توی جاده کوه پریش کرده و می خوای با یک دیلم صخره ها رو جابه جا کنی تا جاده باز بشه و داستانت بره توی کتاب پنجم دبستان!

• وقتی مسابقه فرمانده رو می بینی و جو گیر میشی!

• وقتی کاری کردی که پدر و مادرت هر دو میگن مگه دستم بهت نرسه!
مصطفی نادوروری

پدیده های طبیعی شگفت انگیز

طبیعت پر از شگفتی است. برخی از آن‌ها هنوز غیرقابل توضیح و واقعا عجیب هستند و بعضی توضیح علمی روشنی دارند. در این جا تصاویری از شگفت انگیزترین و زیباترین پدیده‌های طبیعی را می‌بینیم.



ابر ماما توسی

شبیه کیسه‌های آویزان از ابرهای بارانی هستند. آن‌ها توسط هوای سرد اشیاع ایجاد می‌شوند که سنگین‌تر از هوای اطرافش است.



منبع: سایات برترین ها

رعد و برق کاتاتومبو

ترکیب منحصر به فرد باد، هوای گرم و مرطوب و کوه‌هایی که از سه طرف این منطقه در ونزونالا ر محصور کرده اند با ایجاد بار الکتریکی، باعث رعد و برق مداوم می‌شود.



یاهو| مانور هوایی بر فراز میدان سرخ مسکو

تفال

پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود
مهرورزی تو با ما شهره آفاق بود
یاد باد آن صحبت شب‌ها که با نوشین لبان
بحث سر عشق و ذکر حلقه عشاق بود

دی روز نامه

چیطور میطوری ایرانی؟

علیرضا کاردار | طنز پرداز

حتما کلیپ‌های تبلیغ فیلم «به وقت شام» در پردیس سینمایی کوروش تهران را دیده‌اید. البته منظورم در پیام‌رسان‌های داخلی است! در این تبلیغ چند هنرور با لباس و گریم داعشی و مخصوصا آن ریش قرمز، سوار بر اسب و با اسلحه و شمشیر و کمر بند انتحاری به مجتمع حمله می کنند و با داد و فریاد و عقب راندن مردم و به هم ریختن فضا، مثلا برای فیلم تبلیغ می کنند. البته گویا این دوستان زیادی در نقش‌شان فرو رفته بودند و با توپ و تانک باید از نقش درشان می آوردند و خود ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان فیلم هم در جریان این نوع تبلیغ عجیب نبوده و بعد که فهمیده، عذرخواهی کرده‌است. در این میان عده‌ای به این موضوع معترض شده‌اند که اگر یکی از ترس غش می کرد چی؟ که خب هیچی!

به همین مناسبت دیدیم اگر برای فیلم‌های بزرگ ایران و دنیا بخواهند به این روش واقع گرایانه تبلیغ کنند، چه از کار در خواهد آمد؟ مثلاً اگر قرار بود برای فیلم‌های اصغر فرهادی تبلیغ میدانی بکنند، یک عده آدم که فقط سر داشتند و از گردن به پایین با جلوه‌های ویژه حذف شده بودند و به اصطلاح پایان نداشتند، راه می‌افتادند و تراکت به مردم می‌دادند! یا برای فیلم‌های مسعود کیمیایی چند جوان با چاقو و دشنه و پاشنه خوابیده و کلاه شاپو توی شهر جولان می‌دادند و در حالی که سس گوجه از دشتان می چکید، خودشان را به در و دیوار می‌مالیدند! یا برای فیلم‌های مرحوم کیارستمی چند نفر آدم عادی فقط راه می‌رفتند و هیچی نمی گفتند و مردم باید حدس می‌زدند که چی به چی است!

همین طور اگر می‌خواستند برای «تایتانیک» این‌طور تبلیغی بسازند، بازیگران باید هر کدام در حالی که جلیقه نجات بر تن دارند، یک شیلنگ یا سطل آب به دست بگیرند و وسط خیابان روی سر و کله مردم خالی کنند و وسط چهارراه هم چند آبازور نصب کنند تا مشکل پخش نداشته باشند! یا عوامل فیلم «پارک ژوراسیک» چندین تیر کس و گالیمیموس و ولاسیراپتور تـوی کوچه و بازار ول بدهند تا مردم برای دیدن فیلم مشتاق شوند و اگر هم اشتیاق نشان ندادند، همان دایناسورها یقه‌شان را بگیرند و به زور ببرندشان داخل سینما! برای «جنگ ستارگان» هم می‌شد به ضرب شمشیر لیزری بیننده ها را به سالن سینما هدایت کرد! برای «هری پاتر»، «ارباب حلقه‌ها» و این‌طور فیلم‌های تخیلی هم باید چند جادوگر استخدام کرد تا توی شهر راه بیفتند و روی مردم ورد بخوانند و غیبتشان کنند و بعد توی سالن سینما ظاهرشان کنند و دست و پایشان را هم به صندلی‌ها ببندند تا زمان پایان فیلم از جایشان جنب نخورند. این طوری فیلم‌ها چه فروشی می‌کرد…!

نشر اکاذیب

گل آفتاب گردان مطرود



به تازگی دانشمندان در روستایی نزدیک ترانسیلوانیا، نرسیده به پنسیلوانیا، گونه جدیدی کل آفتاب گردان کشف کرده‌اند. این گونه جدید که به «گل های آفتاب گردان سر گردان» مشهور شده‌اند، رفتار عجیبی از خود بروز می دهند که هنوز محققان نتوانسته اند متوجه چگونگی آن شوند. این گل ها پس از این که در مزرعه رشد کردند، هر بوته ای را که ضعیف تر باشد از خود طرد و کاری می کنند تا بوته ضعیف مز رعه را ترک کند. این بوته های رها شده، یا قوی شده و دوباره به دامان پر مهر هم نژادهای خود باز می گردند یا آن قدر تنها می مانند تا خشک شوند و بیفتند و پرندگان تخمه های شان را بخورند.

ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۱۸۴۱۸۳۷۴۱۹۰ در پیام رسان ایتا بفرستید.

• محمدسام عزیزم پیشاپیش تولدت مبارک.
پدرت سیامک کاووسی
• فرار مغزهای ایران فراتر از مقدار میانگین است،خواهش می کنم حقیقت رو بگید.
ما و شما:
در پرورنده ای که راجع به مهاجرت نخبگان مطالعه کردین ما صحبت های دو طیف ماجرا را منعکس کردیم، هم استادی که آمارشان بسیار بالا بود هم مسئولی که منتقد بودند ما از میانگین پایین تر هستیم.
• ایران جان؛ ممنون از امام رضا(ع) که تو رو به من هدیه داد، تولد ۲۳ سالگیت رو بهت تبریک میگم همسر عزیزم.
میثم رشیدیان
• برو دنبال آرزوهات. آدمآ وقتی که دنبال رویاهاشون نمیرن- زود پیر میشن.
مسعود مجنونپور
• پند نیکان روز دوشنبه قشنگ بود و جمله اش خیلی به دلم نشست (البته همه مطالب زندگی سلام واقعا عالیه) «جز وصل تو دل به هر چه بستم توبه، بی یاد تو هر جا که نشستم توبه» تقدیم می کنم به همسرم مرتضی.
جیران.ف
• صادقم، همسر، زندگیم، واسه این که ناراحت کردم معذرت می خوام، پشیمونم از حرفام، منو ببخش.
عشق هدیه
• آق کمال اگه تمایل داری به روزی با هم بریم توت خوری؟!
آق کمال: زحمت تان مشه! درخت توت که سرتاسر کوچه مان هست، اکه راست مگن برم توت فرنگی خوری، آنااتاس خوری، دراگون فروت خوری و…!